

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، پیاپی ۲۱
صفحات ۱۷-۳۶

موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی شهرستان دیواندره

مسلم سواری*؛ دانش‌آموخته دوره دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران
حسین شعبانعلی فمی؛ استاد گروه مدیریت و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران، کرج، ایران،
محمدشریف شریفزاده؛ دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۴/۲۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۵/۱۴

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی موانع اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی شهرستان دیواندره (استان کردستان) انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان روستایی بالای ۱۵ سال شهرستان بوده است ($N=17101$). با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران ۱۷۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب گردید که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب توزیع شده است. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه‌ای بود که روایی آن به کمک پانل متخصصان و پایایی آن توسط ضریب آلفای کرونباخ تأیید گردید ($\alpha > 0.7$). تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS_{win18} انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد مهم‌ترین موانع گسترش صنایع دستی از دیدگاه زنان روستایی شهرستان دیواندره، عدم توجه و حمایت‌های دولتی از بخش صنایع دستی است. علاوه بر این، تحلیل عاملی موانع توسعه صنایع دستی به استخراج پنج عامل با عنوان موانع اقتصادی، زیرساختی، اجتماعی- فرهنگی، آموزشی و روانشناختی منجر شده است. از مهم‌ترین راهکارهای توسعه اشتغال مرتبط با صنایع دستی راهکارهای حمایتی، آموزشی- تشویقی و ایجاد تشکلهای صنایع دستی بوده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود نهادها و سازمان‌های دست‌اندرکار با بسترسازی مناسب و آموزش‌های کاربردی، امکان حضور زنان روستایی را در بخش صنایع دستی فراهم نمایند.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، زنان روستایی، اشتغال، صنایع دستی، شهرستان دیواندره.

* Moslem_Savari@yahoo.com

(۱) مقدمه

تحقق اهداف اقتصادی - اجتماعی برنامه‌ریزی موجود در هر کشور مستلزم به دست آوردن تصویری دقیق از وضعیت اقتصادی، اجتماعی افراد آن کشور است (قربانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸۵). حساسیت‌های ملی یکی از ابزارهای اقتصادی است که منعکس کننده تصویری جامع از فعالیت‌های اقتصادی افراد است و این حساسیت‌ها در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های اساسی روبه‌رو بوده و اغلب فعالیت‌های افراد نادیده گرفته می‌شود (Ruger et al., 2008: 1-175)؛ نمونه بارز آن در کشورهای در حال توسعه است و زنان روستایی، مولد ۸۰ درصد از مواد غذایی و سرپرستی حدود ۳۰ درصد از خانوارهای روستایی را برعهده دارند ولی فعالیت آنان به عنوان فعالیت‌های اقتصادی به شمار نمی‌آید و به سادگی از برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی حذف می‌شود (خبرگزاری ایران، ۱۳۸۶).

مهم‌ترین فعالیت‌های زنان عبارت است از نقش همسر، مادر، تولیدکننده محصولات زراعی، فعالیت‌های دامداری، همچنین نقش آنان در ایران در فعالیت‌های اقتصادی به ویژه کشاورزی و صنایع دستی انکارناپذیر است (محمدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱). طبق آمارهای موجود، بیش از ۶۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی و ۶۳ درصد فعالیت‌های دامداری و عمده‌ترین فعالیت‌های باغی برعهده زنان است (شاهرودی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱). به طور کلی زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان، فعالیت‌های مختلفی را نیز انجام می‌دهند اما منجر به درآمدهای ملموسی برای آنان نمی‌شود؛ همین امر باعث شده تا زنان روستایی بر انتخاب‌های زندگی کنترل کمتری داشته باشند (Afshar et al., 2006: 29).

نقش زنان در حفظ و احیاء، ترویج و توسعه صنایع دستی کشور بسیار جدی و با اهمیت است با وجود اینکه غالب زنان شاغل در صنایع دستی خانه‌دار هستند، آمار روشنی از زنان شاغل در بخش صنایع دستی در دست نیست. معمولاً زنان در تولید انواع محصولات صنایع دستی از آسان‌ترین گرفته تا سخت‌ترین و طاقت فرساترین آن نقش قابل توجهی دارند و هیچ محدودیتی برای تولید محصولات مختلف وجود ندارد (رستمی، ۱۳۸۳: ۳۹-۶۶). به هر حال افزایش حضور زنان در صنایع دستی پیامدهای مثبتی مانند افزایش درآمد خانوار، بالا رفتن رفاه خانوار، کاهش فشار مالی بر سرپرست خانوار، امنیت اقتصادی و از مهاجرت آنها به شهر جلوگیری می‌کند. با وجود اهمیت صنایع دستی نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی انتخاب‌ها و فرصت‌های پیش روی زنان روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و صنایع دستی در بسیاری از جوامع گسترده پذیرفته شده نیست و اغلب زنان در انجام فعالیت‌های صنایع دستی با موانع و مشکلاتی زیادی روبه‌رو هستند (Simpson, 2010: 1-4).

در سراسر جهان زنان به عنوان رکن اساسی واحدهای تولیدی، همواره مطرح بوده‌اند و ساختار اقتصادی خانواده بدون حضور آنها، پایداری نخواهد داشت. آنان با تولید بین ۶۰ تا ۸۰ درصد محصولات غذایی در اکثر کشورهای در حال توسعه، بار مسئولیت تولید نیمی از مواد غذایی در سطح جهان را به دوش می‌کشند

(Coleman, 2009: 14-25). در ایران نیز زنان روستایی ۹۰ درصد فعالیت‌های مربوط به کرم ابریشم، مشارکت در پرورش دام و صنایع دستی ۶۵ درصد، چرای دام ۲۳ درصد در ۱۵ استان، تعلیف دام ۴۱ درصد با استفاده درصد موجود در ۲۰ استان و شیر دوشی ۸۶ درصد با استفاده از درصد موجود در ۲۰ استان کشور را انجام می‌دهند (شادی طلب، ۱۳۸۴: ۳۰-۳۱). فعالیت زنان در شهرستان دیواندره به شرح جداول زیر بوده است:

جدول شماره (۱): وضعیت فعالیت زنان روستایی در امور مربوط زراعت و باغبانی

درصد مشارکت	نوع فعالیت	نوع محصول
۸۰/۸	درو، بوجاری، آماده نمودن خرمن و جدا کردن گاه از دانه	گندم
۶۱/۶	درو، بوجاری، آماده نمودن خرمن و جدا کردن گاه از دانه	جو
۸۹/۹	درو، بوجاری، آماده نمودن خرمن و جدا کردن گاه از دانه	نخود
۱۵/۳	درو، بوجاری، آماده نمودن خرمن و جدا کردن گاه از دانه	عدس
۴۳/۵	برداشت سبزی، وجین و آبیاری	سبزی کاری
۴۳/۵	برداشت، وجین و آبیاری	صیفی کاری
۲۱	میوه چینی	باغ داری
۹/۶	نشاء کاری - وجین	توتون کاری
۹/۶	برداشت - روغن کشی	کنجد
۷	برداشت	آفتابگردان

منبع: علیایی و همکاران، ۱۳۸۸.

جدول شماره (۲): وضعیت فعالیت زنان روستایی در امور دام، طیور و زنبورداری

درصد مشارکت	نوع فعالیت	واحد فعالیت
۷۴	شیر دوشی، تعلیف دام، رسیدگی به بیماری‌ها، جابجایی، پروار بندی، تمیز کردن اصطبل	دامپروری
۶۵	آب و دانه دادن، جوجه کشی، رسیدگی به بیماری‌ها، جمع‌آوری تخم‌ها و جابجایی	پرورش طیور
۳۷	سرکشی به کندوها، بچه‌گیری، تغذیه، برداشت عسل، تبدیل کندو	زنبورداری

منبع: سواری و همکاران، ۱۳۹۲.

جدول شماره (۳): وضعیت فعالیت زنان مورد مطالعه در زمینه صنایع دستی

درصد مشارکت	نوع فعالیت	ردیف
۸۶	قالی بافی	۱
۶۶	گلیم بافی	۲
۳۱/۶	جوراب بافی	۳
۳۴	گل دوزی	۴
۳۱/۶	دستکش بافی	۵
۴۳/۴	نخ ریسی	۶
۳۶/۷	پلاس بافی	۷
۲۴	جاجیم بافی	۸
۴	مکرومه بافی	۹
۷	حکال بافی	۱۰
۱۶	سایر	۱۱

منبع: سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی شهرستان دیواندره، ۱۳۹۲.

با توجه به آمار ارائه شده در جدول شماره ۳ می‌توان گفت که زنان روستایی در فعالیتهای مرتبط با صنایع دستی در اکثریت موارد کمتر حد متوسط (۵۰ درصد) مشارکت می‌کنند و فعالیت بالایی در زمینه صنایع دستی ندارند. بنابراین، ضروری است موانع اشتغال زنان روستایی در این بخش شناسایی شده تا زمینه برای توسعه صنایع دستی در میان زنان روستایی فراهم گردد.

۲) مبانی نظری

یکی از راه‌های توانمندسازی زنان روستایی، ایجاد اشتغال‌های کوچک و فعالیتهای غیرزراعی است؛ این فعالیتهای نه تنها باعث افزایش تولیدات ملی و اشتغال‌زایی می‌شود بلکه به استقلال اقتصادی و توسعه توانایی‌های اجتماعی و شخصیتی زنان روستایی منجر می‌گردد (Sathhiabama, 2010: 1-8). به طوری که براساس یافته‌های پژوهشی در این مورد مشخص شد فعالیتهای غیرزراعی روستایی، ۴۲ درصد از درآمد خانوارهای روستایی در آفریقا، ۴۰ درصد در آمریکای لاتین و ۳۲ درصد در آسیا را تشکیل می‌دهد (Reardon, 2000: 266-288).

توسعه فعالیتهای اقتصاد غیرزراعی روستایی به دلیل اهمیت روز افزون آن به عنوان منبع درآمد و اشتغال مناسب زنان روستایی در سراسر جهان در حال توسعه است (Haggblade et al., 2010: 1429-1441). بنابراین، گسترش متوازن فعالیتهای غیرزراعی روستایی از یک سو می‌تواند افزایش تولیدات روستایی، ایجاد فرصتهای شغلی جدید، افزایش بهره‌وری نیروی کار اضافی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند مناسب با بخش کشاورزی را به دنبال داشته باشد (Radpear, 2008: 121). از سوی دیگر، فعالیتهای غیرزراعی مانند صنایع دستی به عنوان یک منبع درآمد مناسب یکی از زمینه‌های اقتصادی درآمدزا در مناطق روستایی است که مکمل بخش کشاورزی بوده و خانوارهای روستایی می‌توانند به آن متکی بوده و بر مشکلات مربوط به اشتغال زراعی مانند بیکاری فصلی فائق آیند (NAPC, 2008: 124). صنایع دستی با استفاده از منابع محلی، کاهش وابستگی روستاییان به شهرها را در پی دارد و می‌تواند اختلاف سطح زندگی در نواحی شهر و روستا را کاهش دهد (Walkers, 2007: 14). از مزیت‌های دیگر صنایع دستی در روستاها، می‌توان به گسترش فعالیتهای بخش غیرکشاورزی، تقویت پایه‌های اقتصاد مراکز روستایی، استفاده کامل از مهارت‌های موجود، فرآوری تولیدات کشاورزی محلی، جلوگیری از مهاجرت‌های روستایی و حداکثر استفاده از توان محلی زنان روستایی اشاره نمود (مهندسين مشاور راهور، ۱۳۸۵: ۱۴). همچنین از صنایع دستی می‌توان به عنوان ابزاری مناسب برای متنوع کردن اقتصاد روستایی، افزایش درآمدها، متعادل کردن سطح زندگی روستاییان و زمین‌ساز دستیابی به توسعه پایدار یاد کرد (Lee, 2007: 26). در این راستا مطالعات مختلفی در داخل و خارج کشور انجام شده بود مورد مطالعه قرار گرفت که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

مطالعات مختلف اهمیت صنایع دستی را در تنوع بخشی به اقتصاد روستایی و راهکاری جهت رفع نیازمندی‌ها و دستیابی به یک اقتصاد خودکفا در جوامع روستایی مورد تأکید قرار داده‌اند (شایان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹۱-۲۰۶؛ مطیعی لنگرودی و کانی، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۶۷). مطالعه رستمی (۱۳۸۳: ۳۹-۶۶) حاکی از این است که قالبی بافی بخش مهمی از اشتغال کشور به ویژه زنان را به خود اختصاص داده است. بر اساس آمار منتشر شده، ایران پس از چین و هند رتبه سوم جهانی را داراست. نجف آبادی (۱۳۹۰) در بررسی وضعیت اشتغال زنان روستایی به این نتیجه رسیده است که ۸۰ درصد فعالیت زنان روستایی قالبی بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی و سوزن دوزی است.

سفیری (۱۳۸۳) در بررسی‌های خود نشان داد که محدودیت‌های اقتصادی، شامل اختلاف سطح دستمزدها، مشکلات بازاریابی و محدود بودن دوره درآمدزایی این فعالیت‌ها مهم‌ترین مانع پیش‌روی زنان روستایی در عرصه صنایع دستی است. آبوت و والاس (۱۳۸۳) در مطالعات خود دریافتند که موانع اجتماعی اشتغال زنان به مسایل آموزشی و نگرشی بر می‌گردد و لازم است سرمایه‌گذاری‌های خاصی صورت گیرد و همچنین با رفع کمبودهای آموزشی زمینه برای اشتغال مناسب، دستمزد کافی و فرصت رشد و خلاقیت برای زنان روستایی فراهم شود.

الی و کویزی در مطالعات خود نشان داده‌اند که حضور زنان در بازار کار بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور متفاوت است. توسعه اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی به هزینه خانوار، نرخ بیکاری، تعداد اعضای خانواده و محیط خانواده بستگی دارد در این بین، وضعیت تأهل و تعداد اعضای خانوار رابطه مثبتی با انگیزه اشتغال زنان در عرصه صنایع دستی دارد (Aly and Quisi, 1996: 1-9). مطالعه سلطانا و همکاران حاکی از این است که سواد و میزان آگاهی زنان روستایی در زمینه صنایع دستی نقش مهمی در اشتغال آنها در این عرصه دارد؛ به طوری که زنانی که از میزان دانش و آگاهی لازم در زمینه اشتغال مربوط صنایع دستی برخوردار نیستند، تمایل چندانی به کار در این زمینه ندارند. بنابراین، عدم دریافت آموزش در این زمینه از مهم‌ترین موانع توسعه صنایع دستی است (Sultana et al, 1994: 1141-1153).

کینیتزینگر در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه اشتغال در بخش غیرزراعی و صنایع دستی دریافت آموزش مناسب در این زمینه است و تعداد بچه و سن زیاد به عنوان موانع توسعه اشتغال مرتبط با صنایع دستی است (Kinitzinger, 1996: 101). لئوناردو در بررسی‌های خود دریافت که بین نگرش زنان روستایی نسبت به اشتغال در فعالیت‌های غیرزراعی با میزان تحصیلات آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. زنانی که میزان تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش مساعدتری نسبت به فعالیت‌های غیرزراعی دارند (Leonard, 2001: 67-87).

زاربین و همکاران در بررسی‌های خود در پاکستان به این نتیجه رسیدند که وضعیت مالی خانوار، وضعیت تأهل، تحصیلات بر مشارکت و دیدگاه زنان روستایی نسبت به فعالیت‌های غیرزراعی تأثیرگذار است (Zarren et al., 2002: 1-123). کنگلو و همکاران در مطالعه‌ای به بررسی مشارکت زنان روستایی در سه روستای آفریقای جنوبی پرداختند نتایج نشان داد که اکثر زنان روستایی در این مناطق بی‌سواد، فاقد ابتکار عمل و نوآوری بوده‌اند. همچنین این مطالعه نشان داد که کمبود اطلاعات و نگرش منفی زنان به عنوان مانع فعالیت زنان در بخش صنایع دستی است (Kongolo et al., 2002: 78-92). وندریک، کوالکانت و تورس در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین موانع اشتغال زنان روستایی در عرصه صنایع دستی به عوامل فرهنگی و اجتماعی یا آداب و سنن موجود در جامعه روستایی باز می‌گردد (Vendrik, 2000: 1-30; Cavalcant and Tavares, 2005: 155-171).

ایتوهارا و همکاران در پژوهشی در زمینه دیدگاه زنان روستایی در فعالیت‌های غیرزراعی از طریق مقایسه‌ای بین اعضای عضو و غیرعضو در سازمان‌های اعتبارات خرد در بنگلادش خاطر نشان ساختند که زنانی که عضو صندوق‌های اعتبارات خرد بودند، نگرش مساعدتری نسبت به اشتغال در بخش فعالیت‌های غیرزراعی دارند. بنابراین، دستیابی به منابع اعتباری از عوامل تسهیل کننده صنایع دستی است (Itohara et al., 2008: 229-236). بنا به مطالعه‌ی تیاگو و همکاران، حمایت‌های دولتی در زمینه فعالیت‌های غیرزراعی می‌تواند به عنوان عامل تسهیل کننده توسعه فعالیت‌های صنایع دستی باشد (Tiago et al., 2008: 1-27). آهیرراو و همکاران دریافتند که از مهم‌ترین موانع در زمینه حضور زنان در فعالیت‌های غیرزراعی در منطقه جالنا، تعداد زیاد فرزندان، تعصب در برابر حضور زنان در جامعه روستایی، فقدان روحیه خطرپذیری و عدم دریافت آموزش‌های مناسب در این زمینه بوده است (Ahirrao et al., 2010: 14-18). فردوشی و همکاران در بنگلادش به بررسی عدم مشارکت و موانع حضور زنان روستایی در فعالیت‌های غیرزراعی به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین موانع گسترش این فعالیت‌ها پایین بودن درآمد این فعالیت‌ها و عدم حمایت‌های دولتی است (Ferdoushi et al., 2011: 238-245).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی از جنبه‌های مختلفی همچون درآمدزایی، کارآفرینی و تقویت نظام دانش محلی و اشاعه فرهنگ روستایی اهمیت دارد. همچنین، به دلیل محدودیت‌های توسعه کشاورزی، روی آوردن به فعالیت‌های غیرزراعی مانند صنایع دستی ضروری است. از آنجایی که زنان روستایی به عنوان کسانی که می‌توانند اشکال مختلف بخش صنایع دستی را تحت تأثیر قرار دهند و نقش بسیار مهمی در توسعه و پیشرفت این بخش داشته باشند، ضروری است در وهله‌ی اول به بررسی موانع اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی پرداخته شود تا بتوان براساس نظرات آنها، برنامه‌ریزی دقیق و اصولی‌تری برای بسط و گسترش این رویکرد در سطح جامعه انجام داد.

۳) روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی، از نظر امکان کنترل متغیرها غیرآزمایشی، از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها میدانی به‌شمار می‌رود. با توجه به محدوده زمانی، این تحقیق تک مقطعی بوده و داده‌ها و اطلاعات در یک مقطع زمانی خاص گردآوری شده‌اند. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان روستایی شهرستان دیواندره (استان کردستان) بوده است ($N=17101$). با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۱۶۵ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب گردید که برای افزایش اعتبار یافته‌ها ۱۸۰ پرسشنامه با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (بخش‌های مختلف شهرستان به عنوان طبقه در نظر گرفته شد) با انتساب متناسب براساس تعداد جمعیت توزیع شده است. در نهایت تعداد ۱۷۰ پرسشنامه به صورت کامل تکمیل گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه‌ای محقق ساخته و از پیش آزمون شده بود. پرسشنامه مذکور شامل چهار قسمت بود که قسمت اول: ۱۰ گویه مربوط به ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی، (ب) شامل ۲۲ گویه جهت بررسی وضعیت اشتغال زنان روستایی بود (ج) شامل ۲۴ گویه جهت سنجش موانع توسعه صنایع دستی، (د) شامل ۱۸ گویه جهت بررسی راهکارهای بهبود اشتغال مرتبط با صنایع دستی بود. جهت تعیین روایی پرسشنامه از پانل متخصصان که شامل متخصصان گروه مدیریت و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران و گرگان بود، استفاده شد و براساس نظرات و پیشنهادهای آنان اصلاحات لازم در پرسشنامه به عمل آمد. به‌منظور برآورد پایایی پرسشنامه از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. مقدار آلفا برای قسمت بررسی وضعیت شغلی ۰/۷۹، برای قسمت موانع توسعه صنایع دستی ۰/۸۳ و برای بخش راهکارهای بهبود اشتغال مرتبط با صنایع دستی ۰/۸۱ به دست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب پرسشنامه بوده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده شده است. به منظور گروه‌بندی، وضعیت شغلی زنان روستایی مورد مطالعه در بخش صنایع دستی، از تفاوت انحراف معیار از میانگین یا معیار (ISDM) به‌صورت زیر استفاده شد (Gangadharappa, 2007: 295-305).

$$\text{کم: } A < \text{Mean} - \frac{1}{2} \text{Sd}$$

$$\text{متوسط: } \text{Mean} - \frac{1}{2} \text{Sd} < B < \text{Mean} + \frac{1}{2} \text{Sd}$$

$$\text{زیاد: } C > \text{Mean} + \frac{1}{2} \text{Sd}$$

در فرمول بالا، Mean میانگین و Sd انحراف معیار از میانگین است. به منظور تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده شده است. بدین منظور در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار در بخش آمار استنباطی از تحلیل عاملی استفاده شده است.

شهرستان دیواندره در فاصله ۹۸ کیلومتری شمال سنندج با وسعت ۴۲۰۳ کیلومتر مربع و با ۱۸۵۰ متر ارتفاع از سطح دریا که از شمال با تکاب، از شرق با شهرستان بیجار، از شمال غربی با سقز و از غرب با میوان و

از جنوب با سنندج همسایه است. این شهرستان در حدود ۱۵ درصد از وسعت استان کردستان را شامل می‌شود. شهرستان دارای سه بخش مرکزی، کرفتو و سارال و ۹ دهستان (حومه، قراتوره، چهل چشمه، اوباتو، کانی شیرین، زرینه، سارال، کوله و حسین آباد شمالی) با جمعیتی معادل ۶۵۶۵۹ نفر است که از این تعداد ۱۷۱۰۱ نفر از آن را زنان بالای ۱۵ سال تشکیل می‌دهند. این مطالعه در سه بخش و از هر بخش سه دهستان و از هر دهستان یک روستا برای مطالعه انتخاب شده است (جدول، ۴). براساس گزارش سازمان صنایع دستی و گردشگری شهرستان، تعدادی از مشاغل روستایی به دلایل مختلف منسوخ شده‌اند و تعداد دیگری نیز به ندرت در مناطق روستایی استان انجام می‌شود (جدول ۵). در کل زنان روستایی در این شهرستان در فعالیتهای کشاورزی، دامداری و صنایع دستی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. با توجه به اینکه زنان روستایی قشر بسیار وسیعی از جمعیت این شهرستان را تشکیل می‌دهند و فقر مطالعات در این زمینه انجام چنین مطالعاتی از ضرورت اجتناب ناپذیری برخوردار است.

جدول شماره (۴): روستاهای مورد مطالعه با تعداد جمعیت

بخش	دهستان	روستا	جمعیت
سارال	سارال	گاواهن	۴۲۲
	کوله	زاغه علیا	۴۹۶
مرکزی	قراتوره	قراکل	۶۸۷
	چهل چشمه	شریف آباد	۸۵۶
کرفتو	اوباتو	خاکی بیگ	۴۲۱
	زرینه	قلعه روتله	۳۶۰

منبع: استانداری استان کردستان، ۱۳۹۱.

جدول شماره (۵): صنایع دستی رایج و منسوخ شده در منطقه مورد مطالعه

صنایع دستی رایج	صنایع دستی منسوخ شده
قالی بافی	جاجیم بافی
بافتنی‌ها (جوراب، دستکش، کلاه و شال گردن)	ریسمان بافی
جانماز بافی	مکرومه بافی
خیاطی	ابریشم بافی
نخ ریسی	گل دوزی
گلیم بافی	-گل سازی
منجخ دوزی	ترمه دوزی
روسری دوزی	حکال بافی
پولک دوزی	تاس کلاه بافی
مروارید دوزی	خراطی چوب
شالبافی	نمد بافی
گیوه بافی	تور بافی
سبد بافی	

منبع: سازمان صنایع دستی و گردشگری شهرستان دیواندره، ۱۳۹۲.

۴ یافته‌های تحقیق

میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۳۸/۲ با انحراف معیار ۷/۸۲ سال به دست آمده است. به طوری که جوان‌ترین آنان ۱۵ سال و مسن‌ترین ۶۵ سال سن داشته‌اند. میانگین میزان درآمد ماهانه خانوار زنان روستایی مورد مطالعه ۶۶۲/۹۲ با انحراف معیار ۸۱/۹۶۱ هزار تومان بوده است. یافته‌های تحقیق در خصوص سطح تحصیلات پاسخگویان حاکی از آن بود که بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویانی است که میزان تحصیلات آن‌ها بی‌سواد (۴۲/۱۱ درصد) بوده است.

به‌منظور اولویت‌بندی بررسی وضعیت شغلی زنان روستایی مورد مطالعه در بخش صنایع دستی از آماره میانگین استفاده شده است نتایج این بخش در جدول شماره ۶ آورده شده است. براساس نتایج جدول ۶ مشاهده می‌شود که زنان روستایی شهرستان دیواندره در زمینه «قالی‌بافی» و «بافتنی‌ها» بیشترین فعالیت را دارند و در بخش‌های «ابریشم بافی» و «مکرومه بافی» فعالیت چندانی ندارند.

جدول شماره (۶): اولویت‌بندی به کارگیری صنایع دستی در روستاهای مورد مطالعه

اولویت	میانگین	فعالیت‌ها	طبقه‌بندی
۱	۳/۶۰	قالی بافی	بافته‌های داری
۲	۲/۹۶	بافتنی‌های معمول	بافتنی‌ها
۳	۲/۸۸	جانماز بافی	بافتنی‌ها
۴	۲/۷۳	خیاطی	دوزندگی
۵	۲/۷	نخ ریزی	فرآوردهای پوستی
۶	۲/۴۶	گلیم بافی	بافته‌داری
۷	۲/۴۵	منجخ دوزی	نگارگری
۸	۲/۴۵	گل دوزی	رودوزی‌ها
۹	۲/۴۳	گل‌سازی	رودوزی‌ها
۱۰	۲/۴۱	روسری دوزی	رودوزی‌ها
۱۱	۲/۳۸	ترمه دوزی	رودوزی‌ها
۱۲	۲/۲۸	مروارید دوزی	رودوزی‌ها
۱۳	۲/۱۳	حکال بافی	بافتنی‌ها
۱۴	۲/۱۱	پولک دوزی	نگارگری
۱۵	۲/۱	تاس کلاه بافی	بافتنی‌ها
۱۶	۲/۱	گیوه بافی	فرآوردهای پوستی
۱۷	۲/۰۱	شالیافی	بافتنی‌ها
۱۸	۲/۰۱	جاجیم بافی	بافته‌های داری
۱۹	۱/۹۸	ریسمان بافی	رنگری
۲۰	۱/۹۸	مکرومه بافی	بافتنی‌ها
۲۱	۱/۹۶	ابریشم بافی	بافتنی‌ها

* مقیاس: ۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- متوسط، ۴- زیاد، ۵- خیلی زیاد

به‌منظور گروه‌بندی وضعیت شغلی زنان روستایی در بخش صنایع دستی از معیار (ISDM) استفاده شد. نتایج این بخش که در جدول شماره ۷ آمده، نشان می‌دهد که فقط ۲۹ نفر (۱۷/۰۷ درصد) از زنان

روستایی شهرستان دیواندره فعالیت زیادی در بخش صنایع دستی دارند. این در حالی است که ۷۶ نفر (۴۴/۷۰ درصد) از آنان به طور متوسط و ۶۵ نفر (۳۸/۲۳ درصد) نیز در فعالیت پایینی در زمینه صنایع دستی دارند. بر این اساس، می‌توان اظهار کرد که اکثر زنان روستایی شهرستان دیواندره فعالیت بالایی در زمینه صنایع دستی ندارند، چراکه وضعیت شغلی اکثریت آنان (۸۲/۹۳ درصد) در بخش صنایع دستی متوسط و پایین است.

جدول شماره (۷): گروه‌بندی فعالیت‌های مرتبط با صنایع دستی

سطوح به‌کارگیری	فروانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۶۵	۳۸/۲۳	۳۸/۲۳
متوسط	۷۶	۴۴/۷۰	۸۲/۹۳
زیاد	۲۹	۱۷/۰۷	۱۰۰

میانگین: ۴۸/۲۵ حداقل: ۳۵ حداکثر: ۹۵ انحراف معیار: ۱۵/۸۲

به منظور اولویت‌بندی موانع اشتغال زنان روستایی در عرصه صنایع دستی در شهرستان دیواندره از آماره ضریب تغییرات استفاده شده است (جدول ۸). از دیدگاه زنان روستایی، مهم‌ترین موانع توسعه صنایع دستی "عدم توجه و حمایت‌های دولتی" و "کوتاه مدت بودن درآمدهای صنایع دستی" است. از سوی دیگر، موانعی نظیر "ارزش پایین اشتغال مرتبط با صنایع دستی در جامعه روستایی" و "کیفیت پایین آموزش‌های نهضت سواد آموزی و دوره‌های ترویجی" از اهمیت کمتری برخوردار است.

جدول شماره (۸): اولویت‌بندی موانع اشتغال مربوط صنایع دستی در میان زنان روستایی

رتبه	CV	SD	Mean	گویه‌ها
۱	۳۷/۷	۱/۲۷	۳/۳۶	- عدم توجه و حمایت‌های دولتی
۲	۳۸/۱	۱/۰۵	۲/۷۵	- کوتاه مدت بودن درآمدهای صنایع دستی
۳	۳۸/۴	۱/۱۰	۲/۸۶	- محدودیت دسترسی زنان روستایی به اعتبار
۴	۴۰/۲	۱/۴۲	۳/۳۵	- حجم زیاد فعالیت‌های زنان در خانه و مزرعه
۵	۴۱/۹	۱/۲۵	۲/۹۸	- عدم وجود تعاونی‌های صنایع دستی
۶	۴۲/۰	۱/۴۸	۳/۲۵	- شرایط سخت زندگی در روستا
۷	۴۳/۰	۱/۳۶	۳/۱۶	- تضمین نردن آینده شغلی
۸	۴۴/۲	۱/۲۸	۳/۰۳	- درآمد پایین حاصل از صنایع دستی
۸	۴۴/۲	۱/۲۸	۳/۰۳	- مشکلات بازاریابی صنایع دستی
۹	۴۵/۷	۱/۴۱	۳/۰۸	- فرهنگ مرد سالاری در روستاها
۱۰	۴۵/۷	۱/۴۱	۳/۰۸	- دشواری تامین مواد اولیه
۱۱	۴۶/۰	۱/۳۵	۲/۹۳	- عدم دریافت آموزش‌های مناسب در زمینه صنایع دستی
۱۲	۴۶/۸	۱/۴۱	۳/۰۱	- آداب و رسوم منطقه
۱۳	۴۷/۰	۱/۴۳	۳/۰۴	- طاقت فرسا بودن انجام کارهای دستی
۱۴	۴۸/۴	۱/۲۹	۲/۶۶	- عدم روحیه خلاقیت و نوآوری در میان زنان روستایی
۱۵	۵۱/۲	۱/۳۹	۲/۷۱	- عدم برنامه‌ریزی‌های مناسب جهت توسعه صنایع دستی
۱۶	۵۱/۹	۱/۳۳	۲/۵۶	- عدم نیاز زنان روستایی به درآمدهای صنایع دستی
۱۷	۵۲/۲	۱/۳۹	۲/۶۶	- عدم علاقه زنان روستایی به صنایع دستی
۱۸	۵۲/۹	۱/۳۴	۲/۵۳	- نداشتن مهارت‌های مناسب لازم برای صنایع دستی
۱۹	۵۳/۵	۱/۴۵	۲/۷۱	- فقدان انگیزه در زنان روستایی (به علت نان آور بودن مردان)
۲۰	۵۵/۲	۱/۳۸	۲/۵۰	- مسخره و ایراد اهالی
۲۱	۵۶/۸	۱/۴۵	۲/۵۵	- عدم حمایت کافی از طرف خانواده
۲۲	۵۹/۴	۱/۳۸	۲/۳۲	- کیفیت پایین آموزش‌های نهضت سواد آموزی و دوره های ترویجی
۲۳	۶۱/۵	۱/۴۹	۲/۴۲	- ارزش پایین اشتغال مرتبط به صنایع دستی در جامعه روستایی

* مقیاس: ۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- متوسط، ۴- زیاد، ۵- خیلی زیاد

جهت تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از ضریب KMO و آزمون بارتلت استفاده شده است. مقدار KMO برابر ۰/۷۱۸ و مقدار آزمون بارتلت برابر ۲۸۹/۵۹۰ ($p=۰/۰۰۰$) به دست آمده که نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. پنج عامل با مقادیر ویژه بالاتر از ۱ استخراج گردید. این پنج عامل روی هم‌رفته ۷۰/۶۱ درصد از کل واریانس را تبیین نموده‌اند. ۲۹/۳۹ درصد واریانس باقی‌مانده مربوط به عواملی بوده که در تحلیل شناسایی وارد نشده است. با توجه به مقدار ویژه در جدول ۹ عامل اول بیشترین سهم (۴/۱۵) و عامل آخر (پنجم) کم‌ترین سهم (۱/۶۷) را در تبیین واریانس کل داشته است.

جدول شماره (۹): تعداد عامل‌های استخراجی و سهم آن‌ها از تبیین واریانس کل

شماره عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۴/۱۵	۲۵/۹۹	۲۵/۹۹
۲	۲/۲۴	۱۱/۵۰	۳۷/۹۴
۳	۱/۸۱	۱۱/۳۱	۴۸/۸۰
۴	۱/۷۴	۱۰/۸۷	۵۹/۶۷
۵	۱/۶۷	۱۰/۹۴	۷۰/۶۱

به‌منظور استخراج عامل‌ها به صورت روشن‌تر از چرخش عاملی واریماکس استفاده شده است. بار عاملی هر متغیر پس از چرخش عاملی در جدول ۱۰ آمده است. پس از بررسی گویه‌های (متغیرها) مربوط به هر عامل و بار عاملی آن، عوامل به این ترتیب نام‌گذاری شده است: موانع اقتصادی، موانع زیرساختی، موانع اجتماعی- فرهنگی، موانع آموزشی و موانع روانشناختی.

جدول شماره (۱۰): تحلیل موانع توسعه صنایع دستی در میان زنان روستایی مورد مطالعه

عامل	گویه‌های هر عامل	بارعاملی
موانع اقتصادی	در آمد پایین صنایع دستی	۰/۷۸۱
	فقدان دسترسی زنان روستایی به اعتبارات	۰/۵۳۳
	عدم حمایت و تسهیلات کافی توسط دولت	۰/۵۵۳
	کوتاه مدت بودن درآمدهای صنایع دستی	۰/۶۸۲
	عدم حمایت کافی از طرف خانواده	۰/۶۵۲
موانع زیرساختی	عدم نیاز زنان روستایی به درآمدهای صنایع دستی	۰/۸۲۸
	شرایط سخت زندگی در روستا	۰/۵۴۵
	مشکلات بازاریابی	۰/۷۹۹
	عدم وجود تعاونی‌های مربوط به صنایع دستی	۰/۶۲۱
موانع اجتماعی- فرهنگی	دشواری تامین مواد اولیه	۰/۵۴۶
	وجود فرهنگ مردسالاری در روستا	۰/۶۷۷
	مسخره و ایراد اهالی	۰/۸۰۵
	حجم زیاد فعالیت‌های زنان در خانه و مزرعه	۰/۵۱۴
	ارزش پایین اشتغال مربوط به صنایع دستی در جامعه روستایی	۰/۶۶۱
موانع آموزشی	آداب و رسوم منطقه	۰/۵۷۷
	عدم دریافت آموزش‌های مناسب در زمینه صنایع دستی	۰/۶۸۲
	نداشتن مهارت‌های مناسب لازم برای صنایع دستی	۰/۷۲۵
موانع روانشناختی	کیفیت پایین آموزش‌های ارائه شده	۰/۸۲۰
	عدم علاقه در زنان روستایی به کارهای دستی	۰/۷۲۳
	فقدان انگیزه کافی در زنان روستایی (به علت نان آور بودن مردان)	۰/۷۲۶
	عدم روحیه خلاق و نوآوری در میان زنان روستایی	۰/۵۹۴
	طاقة فرسا بودن انجام کارهای دستی	۰/۵۴۷

به منظور اولویت‌بندی راهکارهای اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی از آماره ضریب تغییرات استفاده شد. براساس نتایج حاصل از جدول ۱۱ می‌توان گفت که از دیدگاه زنان مورد مطالعه

مهم‌ترین راهکارها جهت بهبود اشتغال زنان در بخش صنایع دستی «فراهم نمودن وام‌های بانکی با بهره پایین جهت احداث کارگاه‌های صنایع دستی» و «استفاده از فن‌آوری‌های روز در تولید صنایع دستی و تجارت الکترونیکی» است، در حالی که موارد «ایجاد ارتباط مؤثر بین مراکز تحقیقاتی با مراکز تولید صنایع دستی» و «ایجاد مراکز مناسب جهت اشاعه فرهنگ استفاده از صنایع دستی به شیوه امروزی» از اهمیت چندانی جهت بهبود فعالیت آنان در بخش صنایع دستی برخوردار نیست.

جدول شماره (۱۱): اولویت بندی راهکارهای بهبود فعالیت زنان در بخش صنایع دستی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه ها
۱	۲۱/۶	۰/۹۰۴	۴/۱۵۶	- فراهم نمودن وام‌های بانکی با بهره پایین جهت احداث کارگاه‌های صنایع دستی
۲	۲۲/۸	۰/۹۲۲	۴/۰۳	- استفاده از فن‌آوری‌های روز در تولید صنایع دستی و تجارت الکترونیکی
۳	۲۳/۴	۰/۹۶۱	۴/۱۰	- سامان دهی و ارائه تسهیلات بانکی و مناسب و ارزان قیمت
۴	۲۴/۶	۱/۰۳	۴/۱۸	- پایدار نمودن اشتغال موجود در این بخش و فراهم کردن حداقل رشد
۵	۲۴/۹	۰/۹۷۱	۳/۸۹	- خرید و بازاریابی محصولات تولید شده توسط هنرمندان این رشته
۶	۲۶/۵	۱/۰۴	۳/۹۲	- ایجاد و تقویت تعاونی‌های صادرکنندگان صنایع دستی
۷	۲۶/۸	۱/۱۰	۴/۰۹	- تلاش در برقراری پوشش بیمه لازم برای کلیه صنعت‌گران صنایع روستایی
۸	۲۷/۶	۱/۰۸	۳/۹۱	- شرکت در نمایشگاه‌های صنایع دستی داخلی و بین‌المللی
۹	۲۹/۸	۱/۱۰	۳/۶۹	- ایجاد کارگاه‌های تولیدنمونه مبه ویژه در مناطق روستایی
۱۰	۳۰/۶	۱/۱۲	۳/۶۶	- تاسیس مراکز آموزشی حرق‌های در رشته‌های گوناگون صنایع دستی
۱۱	۳۰/۷	۱/۱۱	۳/۶۱	- برگزاری دوره‌های آموزشی در این زمینه (مانند نهضت سواد آموزی و ...)
۱۲	۳۲/۸	۱/۱۶	۳/۵۳	- استفاده از رسانه‌های جمعی برای بهبود نگرش آحاد جامعه نسبت به صنایع دستی
۱۳	۳۳/۵	۱/۱۳	۳/۳۷	- ایجاد مراکز نگهداری از کودکان جهت کاستن از مشغله زیاد زنان
۱۴	۳۴/۵	۱/۱۸	۳/۴۲	- ایجاد بستر مناسب برای افزایش مشارکت زنان در توسعه صنایع دستی
۱۵	۳۸/۰	۱/۳۳	۳/۵۰	- برگزاری همایش‌ها و سمینارهای محلی و ملی در زمینه صنایع دستی
۱۶	۳۸/۴	۱/۲۲	۳/۱۷	- ایجاد بازارهای دائمی برای فروش محصولات صنایع دستی
۱۷	۳۸/۸	۱/۱۹	۳/۰۶	- ایجاد مراکز مناسب جهت اشاعه فرهنگ استفاده از صنایع دستی به شیوه امروزی
۱۸	۴۱/۸	۱/۳۱	۳/۱۳	- ایجاد ارتباط مؤثر بین مراکز تحقیقاتی با مراکز تولید صنایع دستی

* مقیاس: ۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- متوسط، ۴- زیاد، ۵- خیلی زیاد

تحلیل راهکارهای بهبود اشتغال زنان در بخش صنایع دستی از موارد بعدی تحلیل‌های آماری بود که از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. جهت تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از ضریب KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. مقدار KMO برابر ۰/۸۶۴ و مقدار آزمون بارتلت برابر ۱۰۵۵/۵۷۵ (p= 0.000) بود که در سطح یک درصد معنی‌دار گردید و در نتیجه نشان داد که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. در این تحلیل ۳ عامل با مقادیر ویژه بالاتر از ۱ استخراج شد، که ۵۸/۷۲ درصد از واریانس کل عامل‌ها را تبیین می‌نمود و ۴۱/۲۸۱۹ درصد باقی‌مانده مربوط به عواملی بود که در تحلیل شناسایی نشده بودند. با توجه به مقدار ویژه در جدول ۱۲ عامل اول با مقدار ویژه (۴/۳۶) و با واریانس ۲۴/۲۶ درصد بیشترین سهم را در تبیین واریانس کل عامل‌ها دارد.

جدول شماره (۱۲): عامل‌های استخراج شده

شماره عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	واریانس جمعی
۱	۴/۳۶	۲۴/۲۶	۲۴/۲۶
۲	۳/۴۶	۱۹/۲۳	۴۳/۴۹
۳	۲/۷۴	۱۵/۲۳	۵۸/۷۲

به منظور جداسازی عامل‌ها به صورت روشن‌تر از چرخش عاملی واریماکس استفاده شده است که بار عاملی هر متغیر پس از چرخش عاملی در جدول ۱۳ آمده است. پس از بررسی گویه‌های (متغیرها) مربوط به هر عامل و بار عاملی آن، عوامل تحت سه عنوان راهکارهای حمایتی، آموزشی - تشویقی و ایجاد تشکل‌های صنایع دستی نام‌گذاری شد.

جدول شماره (۱۳): تحلیل راهکارهای بهبود اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی

عامل‌ها	گویه‌های هر عامل	بار عاملی
حمایتی	فراهم کردن وام‌های بانکی با بهره پایین جهت احداث کارگاه‌های صنایع دستی	۰/۷۰۸
	سامان دهی و ارائه تسهیلات بانکی و مناسب و ارزان قیمت	۰/۶۲۸
	ایجاد مراکز نگهداری از کودکان جهت کاستن از مشغله زیاد زنان	۰/۷۱۸
	پایدار نمودن اشتغال موجود در این بخش و فراهم کردن حداقل رشد	۰/۵۵۰
	ایجاد بستر مناسب برای افزایش مشارکت زنان در توسعه صنایع دستی	۰/۶۱۹
	استفاده از فناوری‌های روز در تولید صنایع دستی	۰/۵۹۵
	تلاش در برقراری پوشش بیمه لازم برای کلیه صنعت‌گران صنایع روستایی	۰/۶۷۹
آموزشی - تشویقی	تاسیس مراکز آموزش‌های حرفه‌ای در رشته‌های گوناگون صنایع دستی	۰/۵۲۲
	برگزاری کلاس‌های آموزشی در این زمینه (مانند نهضت سواد آموزی و ...)	۰/۶۵۹
	ایجاد ارتباط مؤثر بین مراکز تحقیقاتی با مراکز تولید صنایع دستی	۰/۵۷۸
	شرکت در نمایشگاه‌های صنایع دستی داخلی و بین‌المللی	۰/۷۸۳
	برگزاری همایش‌ها و سمینارهای محلی و ملی در زمینه صنایع دستی	۰/۸۱۲
	استفاده از رسانه‌های جمعی برای بهبود نگرش آحاد جامعه نسبت به صنایع دستی	۰/۵۷۳
ایجاد تشکل‌های صنایع دستی	خرید و بازاریابی محصولات تولید شده توسط هنرمندان این رشته	۰/۵۹۶
	ایجاد و تقویت تعاونی‌های صادرکنندگان صنایع دستی	۰/۵۴۴
	ایجاد بازارهای دائمی برای فروش محصولات صنایع دستی	۰/۷۱۹
	ایجاد مراکز مناسب جهت اشاعه فرهنگ استفاده از صنایع دستی به شیوه امروزی	۰/۵۷۲
	ایجاد کارگاه‌های تولیدی نمونه مبه ویژه در مناطق روستایی	۰/۶۰۵

۵) نتیجه‌گیری

سهم زنان در نیروی کار در کشورهای جهان سوم به دلیل سنتی بودن تولید و روابط کار بیشتر از مردان و حتی بیشتر از زنان و مردان در کشورهای توسعه یافته است. در کشورهای در حال توسعه زنان فرصت شغلی کمتری برخوردار بوده و بیشتر در بخش‌های غیررسمی با حداقل مزایای شغلی و در مواردی

بدون هیچ گونه دستمزدی مشغول به کار هستند. وضعیت زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه به مراتب ناگوارتر از زنان شهری است. اغلب زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه در انجام فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند. بدون اینکه ارزش کار آنها مورد توجه قرار گیرد. علی‌رغم کار طاقت فرسای زنان در مناطق روستایی غالباً نقش آنان در تولید از دید برنامه‌ریزان توسعه پنهان مانده و در آمارهای رسمی چندان بازتاب نیافته است. این گروه فعال اما فراموش شده در بخش غیررسمی اقتصاد ملی، در زمره غیرفعالان اقتصادی رده‌بندی می‌شود. علاوه بر این، زنان روستایی به لحاظ محدودیت، مالکیت بر منابع و سطح پایین آموزش و عدم برخورداری از مهارت‌های فنی و حرفه‌ای بیشتر از مردان در محرومیت‌اند و از امکانات و توانایی‌های خود برای پایان بخشیدن به این وضعیت آگاه نیستند. در چنین شرایطی، پیش نیاز هر گونه تلاشی برای بهبود وضعیت زنان روستایی آگاهی از وضعیت اشتغال و مشکلات پیش‌روی آنان و جست‌وجوی راهکارهای مناسب برای غالب شدن بر محدودیت‌ها جهت توانمندسازی شغلی و معیشتی آنان ضرورت دارد. بنابراین تحقیق حاضر به منظور بررسی موانع اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی در شهرستان دیواندره انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که زنان روستایی شهرستان دیواندره در بخش قالی‌بافی بیشترین فعالیت را دارند و در بخش‌های مکرومه بافی و ابریشم بافی فعالیت چندان نیست. این بخش از نتایج با مطالعات رستمی (۱۳۸۳) و نجف آبادی (۱۳۹۰) مطابقت دارد. از دید زنان روستایی، مهم‌ترین موانع اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی «عدم توجه و حمایت‌های دولتی» و «کوتاه مدت بودن در آمدهای صنایع دستی» است؛ در حالی که از دیدگاه پاسخگویان مواردی از قبیل «ارزش پایین اشتغال مربوط به صنایع دستی در جامعه روستایی» و «کیفیت پایین آموزش‌های نهضت سوادآموزی و دوره‌های ترویجی» از اهمیت کمتری برخوردار است. نتایج این بخش با یافته‌های کاوالکانتی^۱ و همکاران (۲۰۰۶)، سفیری (۱۳۸۳) مطابقت دارد. در نتیجه تحلیل عاملی، مهم‌ترین موانع بکارگیری صنایع دستی در میان زنان روستایی شهرستان دیواندره در پنج عامل استخراجی شامل موانع اقتصادی، موانع زیرساختی، موانع اجتماعی- فرهنگی، محدودیت‌های آموزشی و موانع روانشناختی خلاصه گردید. این یافته با نتایج آبوت و همکاران (۱۳۸۳)، کاوالکانتی و همکاران (۲۰۰۶)، وندریک^۲ (۲۰۰۵)، سولتانان^۳ و همکاران (۱۹۹۴) مطابقت دارد. در نهایت مهم‌ترین راهکارهای بهبود اشتغال زنان در بخش صنایع دستی را در سه عامل: راهکارهای حمایتی، آموزشی- تشویقی و ایجاد تشکل‌های صنایع دستی دسته‌بندی شد. نتایج این بخش با مطالعه ایتوهارا^۴

^۱ Cavalcanti^۲ Vendrik^۳ Sultana^۴ Itohara

(۲۰۰۸) مطابقت دارد. بنا بر تحقیق حاضر، جهت توانمندسازی زنان روستایی به منظور اشتغال در حوزه صنایع دستی، موارد زیر می‌تواند در اولویت قرار گیرد:

۱. با توجه به اینکه ایجاد تشکلهای در بخش صنایع دستی یکی از راهکارهای بهبود فعالیت زنان در بخش صنایع دستی است در این زمینه پیشنهاد می‌شود که دولت با زمینه‌سازی و بسترهای مناسب مانند اعتبارات و تسهیلات کوتاه مدت، ایجاد صندوق‌های اعتبارت خرد جهت حمایت از فعالیتهای صنایع دستی و با تشویق زنان روستایی از طریق گروه‌های خودجوش اقدام به ایجاد کارگاه‌ها و تعاونی‌های صنایع دستی کنند.
۲. با توجه به اینکه از دیدگاه زنان روستایی مهم‌ترین موانع ایجاد صنایع دستی عدم توجه و حمایت‌های دولت از بخش صنایع دستی است بنابراین، پیشنهاد می‌شود که دولت علاوه بر فراهم کردن تسهیلات و اعتبارات لازم زمینه را برای آموزش زنان و دختران روستایی در زمینه مشاغل مربوط به صنایع دستی فراهم کند که در این زمینه فعالیتهایی مانند ایجاد تعاونی‌های بازاریابی صنایع دستی در روستاها، ایجاد صندوق‌های اعتبارات خرد جهت تامین مواد اولیه صنایع دستی، آموزش زنان با تجربه به عنوان مروج جهت توسعه فعالیت مربوط به صنایع دستی در بین روستاهای محروم و دور افتاده، می‌تواند اقدامات مؤثری برای توسعه صنایع دستی باشد.
۳. با توجه به اینکه یکی از موانع ایجاد صنایع دستی موانع آموزشی است، پیشنهاد می‌شود که کلاس‌های نهضت سوادآموزی و برگزاری دوره‌های آموزش صنایع دستی در روستاها برای زنان برگزار گردد. علاوه بر این با توجه به گسترش پوشش شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی از طریق شبکه‌های استانی اقدام به آموزش زنان در زمینه صنایع دستی مرتبط با هر مرز و بوم را آموزش داد.
۴. با توجه به اینکه یکی از موانع توسعه صنایع دستی از دیدگاه زنان روستایی کوتاه مدت بودن درآمدهای اشتغال مربوط صنایع دستی است. در این زمینه می‌توان گفت با توجه به پتانسیل‌های لازم در زمینه فعالیتهای متنوع صنایع دستی که وجود دارد پیشنهاد می‌شود که با برنامه‌های جامع جهت فراهم کردن مواد اولیه و زیرساخت‌های مناسب زمینه را برای گسترش صنایع دستی در تمام فصول فراهم کرد.
۵. با توجه به اینکه موانع اجتماعی- فرهنگی از موانع مهم صنایع دستی در میان زنان روستایی است بنابراین، پیشنهاد می‌شود با آموزش بیشتر و مدیریت مشارکتی به شوهران و فرزندان این خانوارها به منظور کاستن از بار سنگین اداره امور خانه و تربیت فرزندان از دوش زنان روستایی، تا آنان وقت کافی جهت انجام فعالیت مرتبط با صنایع دستی را داشته باشند.

۶ منابع

- استانداری کردستان، (۱۳۹۱). آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان دیواندره، سنندج، استانداریه استان کردستان.
- آبوت، پاملا و والاس کالر، (۱۳۸۳)، جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی، ص ۵۷.
- خبرگزاری زنان ایران، (۱۳۸۶)، فعالیت زنان در اقتصاد نادیده گرفته می شود .
- رستمی، مصطفی، (۱۳۸۳)، بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه شاخص: شهرستان ساری)، پژوهش نامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، سال ۴، شماره ۱، ص ۳۹-۶۶.
- سازمان صنایع دستی و گردشگری شهرستان دیواندره، (۱۳۹۲)، آخرین وضعیت اشتغال مرتبط با صنایع دستی شهرستان دیواندره، استان کردستان.
- سفیری، خدیجه، (۱۳۸۳)، مسائل اجتماعی بنام اشتغال، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مسائل جامعه شناسی ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ص ۴۱۲.
- سواری، مسلم، حسین شعبانعلی فمی و ژیلا دانشور عامری، (۱۳۹۲)، بررسی توانمندی زنان روستایی در بهبود امنیت غذایی خانوار در شهرستان دیواندره، پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، ص ۱۷۵.
- شادی طلب، ژاله، (۱۳۸۴)، زنان کشاورز ایرانی در برنامه های توسعه، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم، بهار ۸۴، ص ۳۰ - ۳۱.
- شاهرودی، علیرضا، محمد چیدری و بهاره توسلی، (۱۳۸۵)، تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار کشاورزی، ماهنامه جهاد، سال ۲۶، شماره ۲۷۱، خرداد و تیر ۸۵، ص ۱۱.
- شایان، حمیدرضا و حکمت شاهی اردبیلی، (۱۳۸۶)، نقش صنایع روستایی در توزیع بهینه درآمد (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان مشهد)، فصلنامه روستا و توسعه: سال ۱۰، شماره ۲، ص ۱۹۱-۲۰۶.
- علیایی، محمد صادق، احمد رضوانفر و مرتضی اکبری، (۱۳۸۸)، تحلیل عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر سهم زنان روستایی از درآمد خانوار: مطالعه موردی شهرستان دیواندره، فصلنامه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، جلد ۱۶، ص ۱۲-۲۲.
- قربانی، محمد و سید حمزه حسینی، (۱۳۸۷)، بررسی نظریه ها، روش ها و تجربه های تنظیم و تعدیل حساب ملی نسبت به ارزش کار زنان خانه دار (تولید خانگی)، طرح پژوهشی موسسه کار و تامین اجتماعی و وزارت اجتماعی، ص، ۱۸۵.
- محمدی، حمید، فرهاد لشکر آرا و نیره کرکه آبادی، (۱۳۸۵)، تحلیل جنسیتی و زنان روستایی. ماهنامه جهاد، سال ۲۶، شماره ۲۷۳، مهر و آبان ۸۵، ص ۱۱، تهران.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسین و علی اکبر نجفی کانی، (۱۳۸۵)، بررسی و ارزیابی اثرات شهرک ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (نمونه مورد: شهرستان بابل)، پژوهش های روستایی، سال ۳۸، شماره ۴، ص ۱۴۵-۱۶۷.

- مهندسین مشاور راهور، (۱۳۸۵). **راهبردها و سیاست‌های توسعه روستایی در استان مرکزی**، اراک: سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی، ص ۱۴.
- نجف آبادی، زینب، هوشنگ ایروانی و ژیلادانشور عامری، (۱۳۹۰). **موانع اشتغال زنان روستایی**، پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، ص ۱۵۸.
- Ahirrao, J., and M.Sadavarte, N., (2010), **Social & financial constraints of Rural women entrepreneur: a case study of Jalna District in Maharashtra**, International Referred Research journal, 3(26), Pp 14-18.
- Aly, Y. H., and Quisi, I.A., (1996), **Determinants of women labor force participation in Kuwait: a logit analyses**, The Middle East Business and Economic Review, Vol. 8, No. 2, 1-9.
- Ashraf, N., Kalan, D., and Yin, W., (2006), **Female Empowerment Impact of commitment saving Product. In Philippines center Discussions paper no, 949**, Economic growth Center Yale University new. Human, 29.
- Cavalcanti, T. V., de, V., Tavares, J., (2006), **Women prefer larger governments: Growth, structural transformation and government Size**, Available online at: <http://ssrn.com/abstract=921096>.
- Coleman-Jensen, A.J., (2009), **Working for Peanuts: Food Insecurity among Nonstandard Workers' Households**, Journal of Family and Economic, Vol 12, 14-25.
- Ferdoushi, A., Chmhuri, S., Nor, I., and Aini, H., (2011), **Contribution of rural Women to Family Income through Participation in Microcredit: an Empirical Analysis**, American journal of Applied Sciences 8 (3), 238-245.
- Gangadharappa, H.V., Pramod, K.T.M., and Shiva, K.H.G., (2007), **Gastric floating drug delivery systems: a review**, Indian J Pharm Ed Res, 41, 295-305.
- Haggblade, S., Hazell, P., Reardon, T., (2010), **The Rural Non-farm Economy: Prospects for Growth and Poverty Reduction**, www.elsevier.com/locate/worlddev, World Development Vol. 38, No. 10, pp. 1429-1441, 2010: Elsevier Ltd. All rights reserved 0305-750X/\$ - see front matter.
- Itohara, Y., Hoque, M., (2008), **Participation and decision Making Role of Rural Women in economic Activates: A Comparative study for Members and Non-members of the micro-Credit Organizations in Bangladesh**, Journal of Social Sciences 4(3), 229-236: 2008 ISSN 1549-3652
- Kirkpatrick, C., (2001), **Development of criteria to assess the effectiveness of national strategies for sustainable development**, Institute for Development Policy and Management; University of Manchester, 101.
- Komngolo, M., Bamgose, O., (2002), **Participation of rural Women in Development: A case study of Tethering, Thintwa, and Makhalaneng Villages, South Africa**, Journal of International Women's studies, Vol. 4, 78-92.
- Lee, S., (2007), **Diversification of the Rural Economy: A Case Study on Rural Industrialization in the Republic of Korea**. Pyongyang: INSES, 26.
- Leonard, M., (2001), **Old win in new 130 tales? Women working inside and outside the household' women's studies**, International forum, Vol. 24, No. 1, 67-87.
- National Agricultural policy center (NAPC), (2008), **Non-Agricultural Activities in Rural Areas**, 124.
- Radpear, G. (2008). **Rural Planning (New Approach)**. London: Blackwell, 121.

- Reardon, T., (2000), **Effects of non-farm employment on rural income inequality in developing countries: An investment perspective**, Journal of Agricultural Economics, Vol.51, No. 2, 266-288.
- Ruger, V., (2008), **Value of Household production in fin land and Germany. Analysis and Recalculation of the Household satellite Account system in both countries**, National consumer Research center, ISBN, 978-951-698, 1-175.
- Sathiabama, K., (2010), **Rural women Empowerment and entrepreneurship Development**, eSS Student papers Sathiabama, Women Empowerment' April 2010. journal of Women Empowerment, 1- 8.
- Simpson, J., (2010), **Rural women's entrepreneurship is good business Gender and rural employment policy brief**, Pp 1-4.
- Sultana, N., Hina, N., Malik, S. J., (1994), **Determinants of women time allocation in selected districts of rural Pakistan**, The Pakistan Development Review, Vol. 33, No. 4, 1141-1153.
- Tiago, V., Cavalcanti, de V., Tavares, J., (2008). **Women prefer larger governments: growth, structural transformation and government size**, Pp.1-27, Available on: <http://www.econ.cam.ac.uk/faculty/.../wgcavalcantiandtavares>.
- Vendrik, M., Maarten C., (2000), **"Bandwagon and habit effects on female labour force participation**, Economic Review, Vol. 78, No. 2, 1-30.
- Walkers, V., (2007), **Policy Innovation for Rural Sustainable Development**, New York: USA Rural Policy Research Institute, 14.
- Zareen, F., Naqvi, M., Lubna, Sh., (2002), **how do women decide to work in Pakistan Development Review**, Vol.41, No.4, 1-23.

